

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۱ دسمبر ۲۰۱۸

آلودگی محیط زیست محصول نظام غارتگر امپریالیستی است

در ۲۰۱۸/۱۲/۰۳ کنفرانس جهانی حفظ محیط زیست در شهر کاتویتس در کشور پولند تشکیل شد. آنچه از نظر تبلیغاتی بیان می‌گردد حفظ محیط زیست بر روی کره زمین است که بی‌توجهی به آن شرایط زیستی موجودات زنده اعم از انسان؛ حیوان و گیاهان را از بین برده است. این وضعیت چنانچه ادامه پیدا کند، به نابودی بشریت و عدم امکان زندگی بشری بر روی کره زمین که قابل بازگشت نیست، منتهی می‌گردد.

در سه سال پیش در کنفرانس سران در پاریس همین سخنان تکراری را بیان کرده و مردم جهان را به دنبال نخود سیاه فرستادند و عملاً هیچ کدام از این ممالکی که مدعی حمایت از حفظ محیط زیست هستند به اجرای تعهدات خویش تن در ندادند. هیچ مکانیسمی از طرف این کشورها عرضه نشده است تا کنترولی بر روی درجه آلودگی هوا برقرار باشد. امریکا علی‌رغم همه پژوهش‌های علمی جهان با تکیه بر تئوری توطئه از همان روز نخست به زیر تعهدات خویش زد. از هم اکنون شرایط اقلیمی بشدت تغییر یافته‌اند. گازها و سمومات در اثر تولید بی‌حد و حصر؛ پرده‌هایی از دود در شهرهای بزرگ جهان ایجاد کرده‌اند که استنشاق هوای آن موجب بیماری‌های ریوی به ویژه در کودکان و افراد مسن می‌گردد و عواقب فراوان دارد. واقعیت به مردم جهان نشان داده است که زندگی آنها تهدید می‌گردد و تسلیم شرایط شدن قابل تحمل نیست.

این است که اعتراض به آلودگی هوا و تلاش برای ایجاد یک محیط زیست انسانی یک خواست بحق مردم است و از این خواست باید پشتیبانی نمود.

ولی در این زمینه باید به نیات گوناگون و اهداف سیاسی که در پشت پرده پنهان هستند توجه کرد در غیر این صورت این جنبش‌های بدون رهبری و یا با رهبری غیرپرولتاری؛ بورژوائی و یا خرده بورژوائی؛ امپریالیستی و یا غیر امپریالیستی به کژراه می‌روند و نمی‌توانند خواستهای مردم را تحقق بخشند، بلکه به عکس به آلت فشار امپریالیستها به ضد یک دیگر بدل می‌شوند و ابزاری می‌گردند تا آنها با تبلیغ ناسیونالیسم امپریالیستی محیطی مشحون از مسمومیت و آلودگی سیاسی در کشورها ایجاد گردد و مردم ممالک را به ضد هم بشورانند و در شیپور جنگ برای "حفظ محیط زیست" بدمند.

نگاهی به پایه‌های اجتماعی این جنبش‌ها نشان می‌دهد که طبقه کارگر از این حرکت تأثیری نپذیرفته است. اغلب شرکت کنندگان در این نمایشات اعتراضی از طبقات متوسط؛ روشنفکران؛ دانشگاهیان؛ دانشجویان و به طور کلی از طبقات

مرفه اجتماعی هستند و این اعتراضات نیز غالباً در ممالک پیشرفته صنعتی صورت می‌گیرد. شعارهای آنها این است که باید استفاده از نیروی هسته‌ای و استخراج ذغال سنگ و بهره‌برداری از سوخت فسیلی را کنار بگذاریم و به جای آن از سوخت گازی؛ آب؛ باد؛ انرژی خورشیدی و عواملی نظیر آنها استفاده کنیم. ولی بستن کارخانه‌ها و معادن که تا کنون بر اساس سوخت سنتی تولید می‌کردند به نابودی زندگی میلیون‌ها نفر منجر خواهد شد و این عامل که به طبقه کارگر دورنمایی برای آینده وی با توجه به حفظ محیط زیست نمی‌دهد به تشدید تضادهای اجتماعی یاری می‌رساند. سردمداران جنبش حفظ محیط زیست مدعی می‌شوند که بستن معادن ذغال سنگ و جایگزینی انرژی فسیلی (تجدید ناپذیر) با تجدید پذیر ایجاد اشتغال می‌کند و یا با تأسیس کارخانه‌های تولید محصولات متناسب با محیط زیست که خود اشتغالزا است نیز میلیون‌ها نفر را به عرصه‌هایی از تولید می‌کشاند که الزامات تولید آنها را اقتضاء می‌کند. مثلاً می‌شود در عرصه ایجاد "هوشمندی مصنوعی" و دیجیتال کردن زندگی بشری عرصه‌های جدید تولید و کار خلق کرد.

این سخنان طبیعتاً اگر بی رابطه با مسایل اجتماعی مطرح شود به کسی کمکی نمی‌کند. تأسیس کارخانه‌های تولید محصولات متناسب با محیط زیست اشتغالزاست، ولی تکلیف صدها هزار نفری که بیکار می‌شوند و قادر نیستند به علت کِبَر سن و یا آموزش حرفه‌ای که دارند در این رشته‌های پیشرفته کار کنند چه می‌شود؟ این عده بخش بزرگی از طبقه کارگر این ممالک هستند که فریاد اعتراض و یا نگرانی آنها در هیاهوی سرمایه کلان امپریالیستی که در "محیط زیست" به کار رفته‌اند و به مرحله سوددهی رسیده‌اند محو می‌گردند. سرمایه‌های کلان محیط زیستی و دول همدست آنها برای این میلیون‌ها انسان برنامه عملی ندارند. در حرف وعده می‌دهند که این عده می‌توانند در این عرصه‌های مدرن به کار بپردازند که سراپا حقه‌بازی و کذب محض است. آنها میلیون‌ها انسان را قربانی می‌کنند تا در عرصه جهانی و داخلی به سرمایه‌های کلان امپریالیستی امکان رقابت دهند. کارگری که در محل کارش خانه محقری خریده است و کودکان خویش را به مدرسه می‌فرستد، قادر نیست شهر و یا محل اقامتش را از امروز به فردا ترک کرده و به عنوان کارگر "مدرن" به تحصیل بپردازد به این امید واهی که ممکن است وی را استخدام کنند. این قشر از طبقه کارگر به عنوان "ضایعه" تولید به قعر فقر رانده می‌شود و در بهترین حالت دولت با کمک‌های ناچیز اجتماعی از مرگ زودرس آنها ممانعت می‌کند. پس این ادعا که بیکاری عده‌ای موجب اشتغال دیگری می‌شود با این مقایسه صوری؛ صحت ندارد. اشتغال نیروهای جدید تولید و جوانان که جای انکار آن وجود ندارد به بهای نابودی بخش دیگری از جامعه بدل می‌گردد. هرچه یک کشور فقیرتر باشد درجه این فلاکت بیشتر است. زیرا انسان‌ها را به حال خود و مقدرات رها می‌کنند. سرمایه‌داری در طول تحول خود همواره با این روش به پیش رفته است. هر بار که به علت اختراع دستگاه‌های جدید تولید؛ نیروی کار به صورت اضافی در بازار کار نمایان شده و به عنوان عامل رقابت و تشدید بهره‌کشی مورد سوء- استفاده قرار گرفته است جامعه بشری با این فاجعه روبه رو بوده است. سرمایه‌داری قادر نیست هم به حفظ محیط زیست بپردازد، هم محیط زیست کارگران را تأمین کند و هم از تلاش برای سود حداکثر دست بردارد.

این که محیط زیست رو به نابودی است ناشی از این نیست که این یا آن فرد زباله‌های خود را متناسب با کیفیت آنها جدا جدا نمی‌کند. این که محیط زیست رو به نابودی است ناشی از این نیست که کیسه‌های نایلونی را افراد جداگانه به دریا می‌ریزند و تعداد آنها امروز بیش از تعداد ماهیان است. این نوع تبلیغات گمراه کننده ادامه سخنان صحنه‌سازی دخترک سوئدی با سن ۱۵ سال است که ممالک امپریالیستی به وی سکوی خطابه دادند تا با حيله‌گری در کنفرانس کاتوویتس رقاصی کند و مدعی شود که نسل گذشته این فاجعه را برای این کودکان و نو جوانان به ارث گذاشته است. به این ترتیب مبارزه طبقاتی؛ مبارزه بین فقر و ثروت؛ مبارزه برای کسب سود حداکثر و نابودی جهان به "مبارزه بین نسل پیر و جوان" بدل می‌شود.

واقعیت ولی چیست؟ سرمایه برای بقای خود به گردش و کسب سود حداکثر نیاز دارد. این یک خواست ذهنی نیست اقتضای طبیعت مناسبات سرمایه‌داری است. گناه شخصی نیست که بتوان به آن برخورد اخلاقی کرد یک قانونمندی اقتصادی است. حتی افرادی که سرمایه‌دار نیستند برای حفظ سپرده‌های خویش به بانک‌های مراجعه می‌کنند که سود بیشتر می‌دهند. کسب سود حداکثر با سرشت سرمایه‌داری عجین است.

مناسبات سرمایه‌داری مکانیسمی را خلق می‌کند که سرمایه‌دار "انسان دوست" و یا "مؤمن به ضرورت حفظ محیط زیست" نمی‌تواند از تلاش برای کسب سود حداکثر دست بردارد. اگر تسلیم "احساسات" شود و به "حقوق بشر" احترام بگذارد در طی مدت کوتاهی توسط رقیب کلان خود بلعیده می‌شود. قانون رقابت امپریالیستی این است: "یا می‌بلعی یا بلعیده می‌شوی".

ولی کسب سود حداکثر تنها با گردش سریع سرمایه؛ تولید بیشتر و تشدید درجه بهره‌کشی از نیروی کار انسانی ممکن است. سرمایه‌دار قادر نیست از تولید دست بردارد و یا آن را کاهش دهد. مناسبات سرمایه‌دار در یک دور باطل است که خود را بازتولید می‌کند و به ساحل نجات بشریت نمی‌رسد. تولید وی بی‌برنامه بوده و معلوم نیست الزاماً به نفع اجتماع باشد. کالاهای یک بار مصرف و یا تولیدات اضافی که به دریا می‌ریزند، خود بیان این امر است. در بخشی از دنیا مردم تن‌پوش ندارند و در بخش دیگر فروشگاه‌ها از البسه نو و مدرن لبریز اند که بعد از حراج سالانه برای حفظ سطح قیمت‌ها محصولات "زیادی" را به دور می‌ریزند. انسانها را با "مانکن‌سازی" طوری شست و شوی مغزی می‌دهند که هر هفته، متناسب با "مد روز" که خود آنها تعیین می‌کنند، پوشاک عوض کنند.

این که بجزها از کیسه‌های پلاستیکی پر است ناشی از آن نیست که یک افریقائی؛ آسیائی و امریکای لاتینی و یا مردم عادی ممالک مرفه در سفرهای آنچنانی بحری زباله‌های خویش را به آب ریخته‌اند. این شرکت‌های کلان امپریالیستی هستند که با سرمایه‌گذاری در عرصه صنعت زباله‌زدائی هر قانونی را که مانع کسب سود حداکثر آنهاست نادیده گرفته و برای کسب سود حداکثر زباله‌زدائی را از طریق به ابحار ریختن انجام می‌دهند. آنها دارای کشتیهای اقیانوس پیم هستند و قوانین بین‌المللی را با یاری دولتهای خودی، خودشان خلق کرده‌اند و لذا باعث تخلیه زباله‌های ممالک امپریالیستی در آبهای بین‌المللی می‌گردند. در عرصه کشاورزی وضع بهتر از این نیست. برای رقابت و کسب سود حداکثر با رقیب دیگر امپریالیستی؛ برای کسب تولیدات ارزان قیمت تا بتوانند کشاورزی ممالک "سه دنیا" را نابود کرده و نان مردم را قطع کنند، نه تنها از دولتهای امپریالیستی خودی برای تولید بیشتر یارانه دریافت می‌کنند، بلکه محیط زیست را با استفاده از بذور تراریخته و سموم نباتی به نابودی کشانده و آبهای زیرزمینی را به پائین‌ترین سطح رسانده‌اند. امپریالیسم امریکا برای استخراج گاز و رقابت با رقبای اروپائی خویش به قعر زمین می‌رود و لایه‌های سنگی را خورد کرده و با فشار آب و مواد خطرناک کیمیائی به تولید گاز مایع مبادرت می‌کند. این زمینها از این به بعد بایر اند. سرمایه‌داری برای کسب سود حداکثر کور عمل می‌کند. آیا دانشمندان امریکائی از اروپائی "ابله‌ترند"؟ طبیعتاً چنین نیست. سود حداکثر است که جامعه سرمایه‌داری امریکا را می‌چرخاند. همه این منادیان حفظ محیط زیست بزرگترین تولید کنندگان اسلحه در دنیا هستند. آنها هرگز از جنگ و نابودی محیط زیست دست برداشته و نمی‌دارند. به یمن؛ سوریه؛ لیبی؛ عراق؛ فلسطین؛ اوکراین و کمی دورتر به ویتنام؛ کوریا؛ کامبوج؛ لائوس ... نگاه کنید جنگلها و ذخایر آذوقه بشری را نابود کرده‌اند. سوگندهای آنها برای حفظ محیط زیست کاذب است.

برای سرمایه‌داری تبلیغات حفظ محیط زیست یکی به این علت است که سرمایه در عرصه‌های جدید تولید به کار می‌افتد و کالاهای جدیدش برای تأمین سود حداکثر به فروش می‌رسد و از جانب دیگر ابزار تهدید و فشاری نسبت به ممالک دیگر است تا از تکامل آنها جلوگیری کند. سرمایه‌داری در ممالک پیشرفته اروپائی چند صد سال محیط زیست را نابود

کرده و به بهای نابودی انسانها و آلودگی هوا و محیط زیست به پیشرفتهای صنعتی دست پیدا کرده است. این پیشرفتهای متعلق به تمام بشریت است زیرا بشریت بهای آن را پرداخته است. ولی ممالک امپریالیستی که خرشان از پل گذشته است تلاش دارند از تحولات سایر کشورها به این بهانه ای که آنها محیط زیست را آلوده می‌کنند ممانعت کنند. به یک باره کشور چین که تازه بیست سال است به این عرصه پا گذاشته است مسؤول آلودگی محیط زیست معرفی می‌گردد و همین روش در مورد روسیه؛ هندوستان و... پاره‌ای ممالک رقیب به عنوان بدیهیات تبلیغ می‌شود.

کشور المان مدعی است که تمایل دارد به کشورهای نوظهور اقتصادی و یا ممالک افریقائی یاری رساند تا به مشکلات ناشی از آلودگی محیط زیست غلبه کنند. این "ترحم" و "انساندوستی" برای آنست که محصولات محیط زیستی المانی را در این کشورها به فروش برسانند. در این ممالک سرمایه‌گذاری‌های کلان کنند و محیط زیست را آلوده نمایند و این بار این آلودگی را از نظر جغرافیائی با حساب دیگران انجام دهند. با دستکشهای سفید و چهره‌های بی‌گناه مقصر محیط زیست را سایر کشورها بنمایانند. حفظ محیط زیست حتی اگر بشریت به پیشرفته‌ترین اختراعات نیز دست یابد و با فن-آوری مدرن به جنگ آلودگی برود تا زمانی که مناسبات سرمایه‌داری برای کسب سود حداکثر حاکم است امکان پذیر نیست. در منطق سرمایه‌داری ارزش جان انسان تعیین کننده نیست، کسب سود حداکثر تعیین کننده است. پس باید مبارزه برای حفظ محیط زیست را با شعارها و خواسته‌های درست با مبارزه به ضد نظام سرمایه‌داری پیوند زد و این وظیفه تاریخی را فقط سوسیالیسم با اقتصاد مدرن برنامه‌ریزی شده می‌تواند انجام دهد. سرمایه‌داری خودش منبع آلودگی و نابودی محیط زیست است و تنها با پایان دادن به آلودگی محیط زیست از قید مناسبات سرمایه‌داری امکان نجات بشریت تحقق می‌یابد.

برگرفته از توفان شماره ۲۲۶ دی ماه [جدی] ۱۳۹۷ - جنوری سال ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)